



Dorothea Lange

چهره مردم

عکاس دوروتیا لانگ

• ترجمه پونه شعبانی

mail:poone_soushians@yahoo.com

پروژه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این بود که بعد از کوچک قوت‌گرفته و پیش‌دار روی برده
 ما پاک فوکس می‌باید بازویش تکیه کردیم دست هایش
 آرا به‌هم فشرده بود. خط لبش تلخ، پشت‌اش به
 آن‌ها، دیگری که برای گرفتن صدفه منتظر بودند
 چرخیده بود، لانگ تصویر گسترده‌ای از این مردم
 روی دیوار آتلیه‌اش گرفته بود و آن را خط نان
 فرشته سفید نامیده بود پس از این تصویر، او
 نقل‌قولی از فیلسوف انگلیسی، فرانسیس بیکن
 Francis Bacon گفت:

- اندیشه هر چیز همان چیزی است که هست
 بی هیچ خط یا اندیشه

۱۹۳۳ دوروتیا لانگ یک عکس
 مسوق پست‌رتم، دورس‌اش را
 برداشت و آتلیه‌اش را که در
 خیابان یونین سن‌فرانسیسکو
 بود، ترک گفت. غم آشکار بشری در دوره بزرگ
 افسردگی، او را مجبور کرد که اطراف خیابان‌های
 منطقه توزیع غذا - خط نان - که اخیراً فرشته
 سفید، زن ثروتمندی که در سن‌فرانسیسکو زندگی
 می‌کرده، آن را تشکیل داد، سفر کند.

آن روز، دوروتیا لانگ چندین عکس گرفت اما
 بیش از آن‌ها همچون یکی از عکس‌ها توصیف‌کننده

در

بی هیچ جانشینی یا ریاکاری
 با نجابتی در وجودش

بیش از یک محصول کلی از اختراع یا خلافت.
 هر دو روی آن دیوار برای سال‌های آینده
 باقی‌ماندند. ترکیب این دو بازمانده، ثابت‌کننده
 تحولی در دوروتیا لانگ است. از آن روز تا زمان
 مرگ در ۱۹۶۵، او قدرت تغییر خلق‌اش، پیمایش
 برای برتری و مهارتش به عنوان یک عکاس برای
 ثبت وقایع اجتماعی و فرهنگی در آمریکا به‌کار
 گرفت. مشهورترین و شاید ماندگارترین عکس‌هایش
 متعلق به دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ است.

عکس‌های تاریخی اجتماعی است: مشاهده آن‌ها که در طول سال‌های مهم افسردگی عظیم و جنگ جهانی دوم نوآوری برای فریاد گذاشتند. دوروتیا لانگ مردان و زنان و کودکان فراموش شده دهه ۱۹۳۰ در مناطق فقیری را که به‌رویت آسمنت‌اش از جنوب شرقی تا جنوب غربی امتداد یافته بود ثبت کرد پس از آن‌که تریزی آمریکایی‌ها از آسمنت‌های متصلی به درگیری فلت‌ساید تغییر یافت. لانگ سر جوشی‌های مستند را برای ثبت تنگه و غیر آمریکایی‌ها و ژاپنی‌ها که وطن‌شان را به سوی نوروست‌ها ترک می‌کردند به‌کار گرفت.

دوروتیا لانگ مقتدرانه به تاریخ کمک کرد و کارش شایسته نمایشی گسترده‌تر است.



زندگی و آثار دوروتیا لانگ

هیچ رنگی ندارد زندگی اجتماعی دوروتیا لانگ به عنوان عکاس مردمی با چنین تجربه‌هایی قابل تسخیر است.

دوروتیا هنگامی که دربارہ جوانی‌اش صحبت می‌کند با حسرت توضیح می‌دهد: هیچ‌کس نمی‌دانست من که چقدر رنگ وجودم چه بود، اما من آن‌جا وجودم من تصور او مستقیماً به سال‌های مدرسه‌اش برمی‌گردد سال‌هایی که او محروم از توجه دیگران تا احساسات ترونی خود درگیر است و این بی‌توجهی در اثرش منعکس می‌باشد.

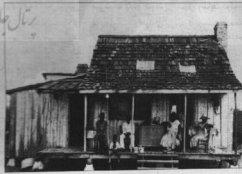
او به سال ۱۸۹۵ در هوبوکِن نیوجرسی Hoboken New Jersey متولد می‌شود. دوروتیا اولین تجربه‌اش زن و هنری کوتاه‌ها، دومین نسل

مستغان و میزها را در حیوانات و نوشتن هسگی معتقد که قدم دوروتیا لانگ با فوکوس اثر دوربین و ترکیب‌بندی تصویرش هدایت می‌شود او در هزاران تصویری که حاصل کار مادام‌العمر اوست، تنها از قدرت محض زنده چشم‌گشش بود چسبه تا به وسیله هنر عکاسی جهانی را که احساسات کرده به اطاعت وادار او مردم نیازمند به توجه را چه در تیره سن زاگون با دلتای می‌سی‌سی‌پی، و چه در کوچک‌ترین اجتماعات مزارع آمریکا یا مناطق روستائین ایرلند و روستاهای جنوب شرقی آسیا یا خیابان‌های سن‌فرانسیسکو می‌دید تصویر لانگ گوید نیاز این مردم به دیده و شنیده شدن است. مردمی که به حاشیه کشانده شده‌اند و زندگی‌شان

آمریکایی - آلمانی خانواده‌اش بود. برادرش مارتین در ۱۹۰۱ متولد شد. اگرچه هفت سال اول زندگی‌اش را شادمانه می‌گذراند، اما از آن به‌بعد به دلیل ابتلا به فلج اطفال تا پایان عمر از پای راست می‌لانگ در دوازده سالگی، پدرش، که وکیل موفق‌ی است، خانواده را ترک می‌کند و دیگر خبری از او نمی‌شود.

اکنون دوروتیا یک جوان در دوران بلوغ خودش را در خانواده‌ای می‌یابد که مادرش زن تنها فرد نان‌آور خانواده است. زن عملاً به سه‌پاره زندگی فرارخوانده می‌شود. او خانواده‌اش را نزد مادرش (مادر بزرگ دوروتیا) می‌برد تا هزینه را کم کند و پولی بدمت آورد. به عنوان کتابدار در دادگاه عوام

مشغول پیدا می‌کند و وقت بیش‌تری را با دختر ۱۲ ساله‌اش می‌گذراند. او دوروتسیا را در مدرسه دولتی شهر نیویورک ثبت‌نام می‌کند. بنابراین دوروتسیا دبیرستان را با اختلاف چند خیابان یا مدارس شروع می‌کند، یعنی محلی که مهاجران جدید یهودی در آن‌جا





زندگی شخصی‌اش را تغییر می‌دهد. در هفته‌های نقل مکان به ساحل غربی او برای اولین بار با گروهی از افراد دوست می‌شود. اولین دوستش روی پارتیج Rol Partridge و همسرش اموگن کانینگهام Imogen Cunningham هستند. ایسن رابطه دوستانه یکی از نزدیک‌ترین رابطه‌های دوستی لانگ است که در طول عرشش ادامه می‌یابد. و پارتیج لانگ که اولین همسرش می‌نارد دیکسون Maynard Dixon که چهارم می‌م و بیست سال از او بزرگتر بود را به او معرفی می‌کند لانگ و دیکسون شش ماه بعد ازدواج می‌کنند.

تأثیر دیکسون هم از نظر شخصی و هم حرفه عکاسی بر روی لانگ عمیق است. طبعی زندگی مشترک پانزده ساله‌شان آن‌ها صاحب دو فرزند به نامهای دانسیل ۱۹۲۵ Daniel و جان ۱۹۲۸ John می‌شوند لانگ خودش را میان وظایف دوگانه مادری و عکاس حرفه‌ای می‌یابد که به مدت دو دهه او را به چالش می‌گیرند. به علت اهمیت هر دو وظیفه احساسات زیباشناختی دیکسون مستقیماً بر کار لانگ به عنوان یک عکاس مستند تأثیر می‌گذارد. به عنوان نقاش منظرها و مردان و زنان غرب دیکسون میل لانگ را به تصویر کشیدن مردمی که وجودشان گناه ندیده گرفته می‌شد و نیاز به دیده شدن داشتند. پرورش می‌دهد. باز دیگر در اوایل دهه ۱۹۲۰ مسیر زندگی دوروتیا لانگ تغییر می‌یابد. سقوط بورس، او را از داشتن آتلیه

وجود می‌آورد - موجب می‌شود لانگ در سن هجده سالگی ظرفیت‌هایی را که برای ادامه حرفه‌اش نیاز داشته می‌شدند و به‌دست می‌آورد. و در همین زمان است که به نمایشش اعلام می‌کند. من می‌خواهم یک عکاسی شوم. دوروتیا لانگ با این جمله استقلال طلبانه به عدت دوستانه با آموزش خوددستی در حوزه استخرش به صورت نیمه‌وقت در آتلیه‌های پرتره و عکاس‌هایی که دوستانه رفتار می‌کردند، یعنی کسانی که وقتی را برای آموزش تکنیکی تزکیه‌بندی و تصویرهای گسترده فرار می‌دادند. گذر می‌کرد. او باز دیگر این خودآموزی با گذراندن دوروتیا خانه را ترک گفت و در سن فرانسیسکو مستقر شد.

سفر به غرب برای دوروتیا لانگ هم از نظر حرفه‌ای و هم شخصی تغییر بزرگی بود. او به عنوان یک عکاس جدیدتر تصمیم گرفت به کلوب دوربین سن فرانسیسکو بپیوندد. چرا که آن‌جا استفاده از یک آتلیه تزکیه مشترک را برای اعضا فراهم می‌آورد. از طریق کلوب، لانگ افرادی را ملاقات کرد که بول کافی برای باز کردن آتلیه پرتره شخصی‌اش را در ۱۹۱۹ به او دادند. آتلیه‌اش که در خیابان سوتر ۵۴۰ SUTTER قرار گرفته بود. مکانی شد که او می‌توانست با به عنوان عکاس مردمی نشان دهد و او موفق می‌شود. در دهه ۱۹۲۰ لانگ شهرت یکی از بهترین عکاسان آتلیه را در منطقه بی بی Boy به دست می‌آورد. نقل مکان او به سن فرانسیسکو همچنین

مفید شده‌اند. لانگ در اتوبیوگرافی‌اش اعتراف می‌کند: من تنها مسیحی میان یهودی‌ها بودم، اگرچه گفت‌وگو با لغزاق همراه است، اما این جمله معلوم می‌کند که لانگ خیلی پیش‌تر در مدرسه جدیدش احساس بیگانگی می‌کند. لانگ به علت عدم پیشرفت آکادمیک، از درس خواندن متنفر می‌شود و به علت عدم حضور در محله زندگی‌اش او هیچ‌وقت عضو هیچ گروه اجتماعی نمی‌شود. در دبیرستان اوضاع بهتر نمی‌شود. او به دبیرستان وادلیک می‌رود، مدرسه دخترانه‌ای که در همسایگی محله اعیانی بالای شهر نیویورک قرار دارد. توصیف دوروتیا از این مدرسه در اتوبیوگرافی‌اش «فلسفاتی خسته‌کننده در دوران جوانی است. چنین احساساتی با این حقیقت که او تنها در همه آن سال‌ها یک دوست داشته، نمایان می‌شود.

بازگری این سال‌های گل‌بازگشخت، نتایج مستثنی دارد. فقدان دوستان و زندگی خاص اجتماعی دوره نوجوانی به لانگ فرصت تاملنا و ارزیابی تصویرهای واقعی را در زندگی هرروزه محله‌های شلوغ و متفاوت شهر نیویورک می‌دهد. علاوه بر این دوروتیا در تنهایی قدرت درونی خود را پرورش می‌دهد و حاصل‌ش اعتمادبه‌نفسی است که در سایه‌اش علاقه‌های شخصی‌اش را تعقیب کند. به این ترتیب او خود نیازهای شخصی‌اش را برآورده می‌کند. ترکیب این دو عامل - ترک تجسمی از جامعه و یک تصویر شخصی که یک اراده قوی را به

عکاسی از محرم می‌کند از بین رفتن اعتماد دو طرفه از بیخ با بیگس و فرسنگ و فرسنگ می‌باشد خلق این دو خلق او را به حین قلمی به تصویر می‌کشند تمام چیز خوب، قدرتی بزرگ بود می‌تواند لانگ به حقیقت می‌تواند از رفتار مردم در قبال ویتنامی و ترس از آینده مستعد می‌باشد این خلق به سمت تصویر سخن زمت او را به معرفت تر گزاشد این خلق به عنوان عکاسی مستند به سگ نویس های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۸ و جنگجوی ریس (Rice) ظاهر می‌تواند عکس‌های لانگ توسط بن نیومن (Ben Newman) Paul Shuster Taylor آلمان دانشگاه برلین (Berlin) کالیفرنیا دیده می‌تواند خلق بهترین عکس‌های می‌تواند همچون او کمال لانگ را می‌تواند خلق‌های شخصی خویش می‌تواند خلق به عنوان یک اعلام‌های بزرگ کمپانی و استادی و استادی استادی از اطلاعات اقتصادی مستعد می‌کند تا میلیون دولتی را قطع می‌کند که حقیقت‌های عمومی را تیره نمیشد و بی‌جهتی را برای ایجاد وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناطق محرم

اختصاصی دهند. تیلور در ۱۹۲۴ توسط سازمان رفاه و مسکن ایالت کالیفرنیا Serra استخدام می‌شود، تا از وضعیت کاری و مسکن کارگران مهاجر مستند می‌باشد.

الترجه گزارش‌اش کامل نوشته و ثبت شده اما این گزارش با عکس‌هایی به عنوان مدرک عینی خود بیش‌تری پیدا می‌کرد. بنابراین تیلور، لانگ را در سال ۱۹۲۴ برای عکاسی این مدارک تصویری استخدام می‌کند به عنوان هم‌تای کاری تیلور و لانگ گزارش‌های میدانی حرفه‌ای هم به صورت رفتی و هم عکس که با هم هماهنگ بودند را ارائه می‌کند. کارگران مهاجر کشاورز توسط زمین‌داران بزرگ کالیفرنیا استثمار می‌شدند، شرایط کار محقران تنها کمی بهتر از شرایط کار اجباری بود، به علت غیر منظم خانه‌های‌شان آن‌ها فاقد پناهگاه کافی در برابر هوای متغیر، آب تمیز، اقدامات بهداشتی و امکانات تحصیلی و تفریحی بودند. گزارش اولیه تهیه شده توسط تیلور و لانگ در ۱۹۲۵ تصویر سازی در سیاست عمومی ایجاد می‌کند. دولت فدرال دست‌هاز دلار برای دو پروژه

ساخت خانه مهاجرین (آروین و ماریس ویل) Arvin & Marys Vile در کالیفرنیا اختصاصی می‌دهد.

این همکاری در دسامبر ۱۹۲۵ به ازدواج‌شان با یکدیگر منجر می‌شود این زندگی مشترک تا سال ۱۹۶۵ که مرگ دوروتیا لانگ فراموشی رسد ادامه می‌یابد.

دوروتیا لانگ علاوه بر عشق، فرصت‌های حرفه‌ای جدیدی را هم از رابط‌اش با تیلور به دست می‌آورد اولین گزارش میدانی‌شان درباره مهاجران کالیفرنیا با نظارت روی استراباکر انجام یافت. استراباکر به عنوان مدیر تازه منصوب شده بخش تاریخی اجرای اسکان مشغول جمع‌آوری یک نیم عکاسی است، او برای تشویق سیاست‌های رفاه و کاهش رنج و آسیب ساکنان مناطق محروم نیازمند ثبت تصاویر است. استراباکر پس از دیدن گزارش میدانی تیلور - لانگ، لانگ را استخدام می‌کند، با این درخواست که کارش را در کالیفرنیا متمرکز کند. او در مقام یک عکاس دولتی، به مشهورترین نیم عکاسی که تاکنون در تاریخ امریکا تشکیل شده می‌پیوندد. یک گروه که



مشکل از بین شان Ben Shahn، والکس اولس Walker Evans و راسل لی Russell Lee است. بنابراین از اواخر سال ۱۹۳۵ تا نیمه سال ۱۹۴۲، دوروتیا لانگ انرژی چشمگیر و تعهد شخصی‌اش را به کار می‌کند، تا به جامعه‌های فراموش شده رنگ و صدا ببخشد. او زندگی و نیازهای مردم را که هم مثبت، هم منفی تحت‌تأثیر خطامنی سیاسی زمان جنگ سال‌های زمامداری روزولت قرار گرفته، ثبت می‌کند. تلاش طاقت فرسای دوروتیا در این سال‌ها او را از زندگی در کمال

فرزندش و نیز از نعمت سلامتی محروم می‌کند. دوزوتیا به رخم ضعف و بیماری حاد، مجموعه مقاله - عکس خود را آماده می‌سازد، بعضی از این آثار در مجله لایف Life و بعضی به عنوان کارهای جداگانه‌اش چاپ می‌شوند. او همچنین در سفرهایی که به همراه تیلور به خارج از ایالات متحده انجام می‌دهد از مردان و زنان و کودکان ایرلند، مصر، ویتنام و امریکای لاتین عکس می‌گیرد. آنچه در این سال‌ها برای لانگ رضایت‌بخش بوده، شناخت کارش به عنوان عکاس دوران اندوه بزرگ است. عکس‌های طی این دهه‌ها در چندین نمایشگاه از جمله سه نمایشگاه در موزه هنر مدرن در شهر نیویورک به نمایش درمی‌آید. ۶۰۰ تصویر از ۶ عکاس زن (۱۹۲۹)، و نخست‌نواده یک مسرد (۱۹۵۲) و

مسائل‌های تلخ (۱۹۶۲) در آخرین نمایشگاه انفرادی در موزه هنر مدرن نیویورک است. در اوایل سال ۱۹۶۴ جن سزاکوفسکی John Szarkowski مدیر بخش عکاسی موزه هنر مدرن از لانگ درخواست می‌کنند که برای نمایشگاه نهایی آثارش کار کند تا آن زمان موزه فقط ۵ نمایشگاه انفرادی مردانه مهم را برگزار کرده بود و الگو لوتز، پل استرند Paul Strand انوارد پستین Edward Weston هنری کرتیه برسون Carter Harri - Branson و انوارد استرین ششمین نمایشگاه مردانه موزه سه می‌شود و لانگ این فرصت را می‌گیرد که موانع تحریم جنسیتی را شکست و مشروعیت‌اش را به عنوان یک عکاس مردی شکل دهد. لانگ اگرچه تا بسیاری چالش‌ها دست به گریبان

است، اما پیشنهاد را می‌پذیرد و چهارده ماه آینده را صرف گردآوری آثار گذشته‌اش می‌کند. پیش از گشایش این نمایشگاه لانگ می‌گوید: «هن دوست دارم که با دیگران با زبان خودم صحبت کنم اگرچه ممکن است قاصر باشد، اما نه با زبان دیگران». چند هفته بعد از انتخاب آخرین عکس‌هایش برای این نمایشگاه، لانگ که باید با زندگی‌اش وداع کند و در ۱۱ اکتبر ۱۹۶۵ چشم از جهان فرومی‌بندد. پل تیلور، شریکش هم در عشق و هم در شغل در کنارش است با فکر کردن درباره افتتاحیه نمایشگاه موزه هنر مدرن در ژانویه، آخرین کلماتش را در گوش تیلور زمزمه می‌کند: «آیا این یک معجزه نیست که در زمان خودش ظهور پیدا کرده است».

عکس‌هایش را در موزه هنر مدرن نیویورک به نمایش درمی‌آید. ۶۰۰ تصویر از ۶ عکاس زن (۱۹۲۹)، و نخست‌نواده یک مسرد (۱۹۵۲) و مسائل‌های تلخ (۱۹۶۲) در آخرین نمایشگاه انفرادی در موزه هنر مدرن نیویورک است. در اوایل سال ۱۹۶۴ جن سزاکوفسکی John Szarkowski مدیر بخش عکاسی موزه هنر مدرن از لانگ درخواست می‌کنند که برای نمایشگاه نهایی آثارش کار کند تا آن زمان موزه فقط ۵ نمایشگاه انفرادی مردانه مهم را برگزار کرده بود و الگو لوتز، پل استرند Paul Strand انوارد پستین Edward Weston هنری کرتیه برسون Carter Harri - Branson و انوارد استرین ششمین نمایشگاه مردانه موزه سه می‌شود و لانگ این فرصت را می‌گیرد که موانع تحریم جنسیتی را شکست و مشروعیت‌اش را به عنوان یک عکاس مردی شکل دهد. لانگ اگرچه تا بسیاری چالش‌ها دست به گریبان



پرتال جامع علوم انسانی
 مجله علمی پژوهشی مطالعات فرهنگی



عکس‌هایش را در موزه هنر مدرن نیویورک به نمایش درمی‌آید. ۶۰۰ تصویر از ۶ عکاس زن (۱۹۲۹)، و نخست‌نواده یک مسرد (۱۹۵۲) و مسائل‌های تلخ (۱۹۶۲) در آخرین نمایشگاه انفرادی در موزه هنر مدرن نیویورک است. در اوایل سال ۱۹۶۴ جن سزاکوفسکی John Szarkowski مدیر بخش عکاسی موزه هنر مدرن از لانگ درخواست می‌کنند که برای نمایشگاه نهایی آثارش کار کند تا آن زمان موزه فقط ۵ نمایشگاه انفرادی مردانه مهم را برگزار کرده بود و الگو لوتز، پل استرند Paul Strand انوارد پستین Edward Weston هنری کرتیه برسون Carter Harri - Branson و انوارد استرین ششمین نمایشگاه مردانه موزه سه می‌شود و لانگ این فرصت را می‌گیرد که موانع تحریم جنسیتی را شکست و مشروعیت‌اش را به عنوان یک عکاس مردی شکل دهد. لانگ اگرچه تا بسیاری چالش‌ها دست به گریبان